

بازاندیشی در ماهیت و شرایط تحقق بزه «نشر اکاذیب»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۶/۵

مجتبی ملک‌افزلی*
بهاره کرمی**

چکیده

مستند قانونی بزه «نشر اکاذیب» از همان ابتدای ورود به سیاهه جرائم تا آخرین تغییرات آن، همواره با ابهامات و چالش‌هایی همراه بوده است؛ چرایی رویکرد متفاوت قانون‌گذار نسبت به این بزه در مقایسه با بزه افتراء، علت مشروط نمودن تحقق آن به وجود قصد خاص «اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» و موضوعیت داشتن یا نداشتن «کتابت» در تحقق آن، سه محوری است که این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی به آن‌ها پرداخته و در جهت اصلاح ماده قانونی مورد بحث، پیشنهادهایی را ارائه نموده است. پژوهش به این نتیجه نائل آمد که شایسته است قانون‌گذار در بازنگری‌های آتی، عنوان مجرمانه «نشر اکاذیب» به قصد تشویش اذهان عمومی را از بزه «انتساب کذب به دیگری» تفکیک و در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی جانمایی کند. از سوی دیگر در تحقق بزه «انتساب کذب به دیگری» به جای تمرکز بر انگیزه بزهمکار، بر چیستی متعلق رفتار متمرکز شود و در نهایت، حصر تحقق هر دو بزه موضوع ماده ۶۹۸ تعزیرات با «وسایل مکتوب» را منتفی سازد.

واژگان کلیدی: نشر اکاذیب، انتساب کذب، تشویش اذهان عمومی، شایعه‌پراکنی، انگیزه بزهمکار، وسیله ارتکاب جرم.

۵۱

حقوق اسلامی / سال بیست و یکم / شماره ۸۰ / بهار ۱۴۰۳

* استادیار بخش حقوق دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ دانشگاه یزد (malekafzali@yahoo.ac.ir)

** دکترای فقه و حقوق جزا از دانشگاه میبد (b_karami90@yahoo.com)

مقدمه

وجاهت اجتماعی انسان که از آن با عناوینی همچون «عرض» و «آبرو» نیز یاد می‌شود، گوهری گران‌بها و شرط لازم برای شکوفایی استعدادهای پنهان اوست. علاوه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر اصل مصونیت «حیثیت اشخاص» تصریح نموده،^۱ قانون عادی کیفری نیز که یکی از کارکردهای آن پشتیبانی از ارزش‌های بنیادین جامعه است، از دیرباز چتر حمایت خویش را بر سر وجهه اجتماعی شهروندان افکنده است؛ تا جایی که برای تعدی به آن واکنش‌های کیفری مختلفی را پیش‌بینی کرده است؛ ایجاد عناوین مجرمانه‌ای همچون افترا، نشر اکاذیب و افشای اسرار، برای حمایت از این جنبه از شخصیت معنوی اشخاص است. از سوی دیگر، پیش‌بینی دفاع مشروع در زمره موانع مسئولیت کیفری و مشروعیت بخشیدن به دفاع شهروندان از عرض و آبروی خویش و دیگران نیز توجیهی جز توجه به جایگاه ویژه وجاهت اجتماعی شهروندان ندارد. از میان همه جرائم پیش‌گفته، به یقین «نشر اکاذیب» یکی از جرائمی است که افزودن آن به سیاهه جرائم، بیشترین همسویی را با هدف پیش‌گفته داشته است. نشر اکاذیب از سال ۱۳۱۳ با تصویب «قانون الحاق ماده ۲۶۹ مکرر به قانون مجازات عمومی»^۲ وارد فهرست عناوین مجرمانه کشور ما شد. قانون مجازات اسلامی مصوب

۱- اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» (روزنامه رسمی شماره ۱۰۱۷ مورخ 1358/11/01)

۲- بند «ب» ماده ۲۶۹ مکرر الحاقی به قانون مجازات عمومی - مصوب ۱۳۱۳/۰۳/۰۳ - چنین مقرر می‌داشت:

«هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله مراسلات یا عرایض یا راپورت‌ها یا نشر یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، به حبس تأدیبی از یک ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و اگر راپرت از شخص رسمی در حدود صلاحیت او مبنی بر یکی از جهات مذکوره در بند الف باشد مجازات او دو برابر

۱۳۶۲ دومین قانونی بود که به این بزه پرداخت. ماده ۱۴۱ از مبحث تعزیرات این قانون به نشر اکاذیب اختصاص داشت^۱ و بالاخره نگاه فعلی قانون‌گذار به نشر اکاذیب که در ماده ۶۹۸ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ متبلور شده و مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال^۲ و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود»^۳.

نگاهی به اسلاف ماده ۶۹۸ نشان می‌دهد که ساختار این ماده بیش از همه به ماده ۱۴۱ قانون سال ۱۳۶۲ می‌ماند؛ با این تفاوت که دو عبارت کوتاه به آن افزوده شده است: یکی عبارت «یا با همان مقاصد» و دیگری عبارت «علاوه بر اعاده حیثیت در صورت

مجرمین عادی خواهد بود.» (روزنامه رسمی شماره ۱۶۱۶ مورخ ۱۳۱۳/۳/۱۶)

۱- «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه به حبس از یک ماه تا دو سال یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. تبصره- در دو ماده فوق [(موضوع ماده ۱۴۱ افترای عملی است.)] در صورتی که شخص مقام رسمی داشته و در حدود صلاحیت خود، مرتکب شده باشد، علاوه بر مجازات مقرر به انقصال از شش ماه تا دو سال از شغل خود نیز محکوم خواهد شد.» (روزنامه رسمی شماره ۱۱۲۷۸ مورخ ۱۳۶۲/۰۸/۲۳)

۲- مجازات حبس مذکور در این ماده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری - مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ - به حبس از یک ماه تا یک سال تغییر یافت. (روزنامه رسمی شماره ۲۱۹۱۶ مورخ

1399/03/26)

۳- روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۴۳ مورخ ۱۳۷۵/۰۴/۰۴

گرد هم آمدن قیود و شرایط آن ماده - می‌توانند به «افساد فی الارض» منتهی شوند؟ از سوی دیگر، چرا تنها افترا زدن به اشخاصی خاص می‌تواند - با اجتماع همه شروط □ یک جرم سیاسی محسوب شود اما نشر اکاذیب، محدودیتی از نظر بزه‌دیده ندارد و مطلقاً موجب تحقق افساد فی الارض است؟

- با وجود اصل «عدم تأثیر انگیزه در حقوق کیفری»، چه ضرورتی تحقق بزه نشر اکاذیب را به وجود انگیزه «اضرار به غیر» یا «تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» منوط کرده است؟

- آیا در «کتابت»، ویژگی خاصی نهفته است که اگر رفتارهای مجرمانه مذکور در ماده ۶۹۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی به صورت شفاهی ارتکاب یابند، جرم نشر اکاذیب محقق نمی‌شود؟ در این مقوله، کدام دیدگاه موجود قوت بیشتری دارد؟ تفسیری که به موضوعیت وسایل مذکور در ماده مذکور قائل است یا نگاهی که ذکر آن وسایل را صرفاً از باب تقریب به ذهن دانسته و برای آن شأنی بیش از طریقت نمی‌شناسد؟

نویسندگان مقاله حاضر در پی آنند که چالش‌های فوق را مورد واکاوی قرار داده و راه‌کارهایی را برای برون‌رفت از آن‌ها ارائه نمایند. نویسندگان، نگاهی هرچند کوتاه به حقوق تطبیقی کیفری نیز دارند. به هر صورت، باید اذعان داشت امروزه حقوق تطبیقی، به عنصری ضروری در دانش حقوق بدل گشته و شایسته است همه پژوهشگران با تدقیق در قواعد حقوقی سایر کشورها؛ به‌ویژه کشورهایی که تابع نظامی نزدیک به نظام حقوقی کشورشان هستند، در جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و تجارب تقنینی و قضایی سایر جوامع گام برداشته و غنا و پویایی هرچه بیشتر طرح‌های پژوهشی را باعث گردند. با این هدف، در مقاله حاضر، بزه نشر اکاذیب در قانون کیفری کشور آلمان نیز □ به‌عنوان کشوری پیش‌رو در حقوق کیفری □ مطالعه شده و بالاقتضا مورد اشاره قرار گرفته است. ساختار اصلی مقاله حاضر در سه قسمت تدوین‌شده و به ترتیب به سه چالش ماهیت دوگانه بزه «نشر اکاذیب»، چالش جایگاه انگیزه مرتکب در تحقق این بزه و چالش وسیله ارتکاب می‌پردازد.

مبحث اول. ماهیت دوگانه «بزه نشر اکاذیب»

بررسی قوانین کیفری حکایت از رویکرد خاصی به نشر اکاذیب دارد. جرم افساد فی الارض و جرائم سیاسی دو جلوه‌گاه این رویکرد متفاوت هستند که در ادامه به توضیح و تبیین آن دو پرداخته می‌شود.

الف) افساد فی الارض

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی^۱ نشر اکاذیب را □ با اجتماع همه شروط مذکور در آن ماده □ در کنار جرائمی چون «اخلال در نظام اقتصادی کشور»، «احراق و تخریب»، «پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک» و «دایر کردن مراکز فساد و فحشا» یکی از جرائم موجد عنوان «افساد فی الارض» دانسته است. این بدان معناست که از نظر قانون‌گذار بزه نشر اکاذیب برخلاف بزه افترا اگر در مقیاس گسترده ارتکاب یابد، می‌تواند کیان جامعه و «مصالح کلی کشور» را تهدید نماید.

ب) برابر مواد ۱ و ۲ از «قانون جرم سیاسی» - مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ - نشر اکاذیب یکی از جرائمی است که «چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.» این ویژگی در مورد بزه افترا با آنکه همچون نشر اکاذیب از حیثیت اجتماعی آحاد جامعه حمایت می‌کند، پیش‌بینی نشده است؛ طبق بند «الف» از ماده ۲ قانون مذکور، تنها افترا به «رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت

۱- «ماده ۲۸۶ - هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

آنان» اگر با انگیزه پیش گفته ارتکاب یابد یک جرم سیاسی محسوب می‌شود اما قانون در مورد بزه دیده نشر اکاذیب، محدودیتی را پیش‌بینی نکرده است.

در حقیقت، ماده ۶۹۸ مرکب از دو جرم متفاوت است: بزه اول را می‌توان «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» نام نهاد. عنوان منتخب نگارندگان برای بزه دوم نیز «انتساب کذب به دیگری» است.^۱

«نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» جرمی علیه مصالح عمومی کشور و «انتساب کذب به دیگری» جرمی علیه شخصیت معنوی اشخاص است. در واقع جرمی که می‌تواند بن‌مایه افساد فی الارض را تشکیل دهد، بزه «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» است نه بزه «انتساب کذب به دیگری». عدم تعمیم این قابلیت به بزه افترا □ باوجود سرزنش پذیری بیشتر □ بهترین دلیل برای اثبات این مدعاست. از سوی دیگر باید گفت «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» است که می‌تواند با انگیزه‌ای خاص، یک جرم سیاسی محسوب شود^۲ و این ویژگی در مورد جرم «انتساب کذب به دیگری» اگر هم قابل قبول باشد باید آن را به همان بزه دیدگان افترا (موضوع بند «الف» ماده ۲ قانون جرم سیاسی) محدود دانست.

۱- گرچه برخی از نویسندگان با استظهار از رویه قضایی و نظریه مشورتی شماره ۷/۴۷۹۵ مورخ ۱۵/۰۹/۶۳ که نسبت دادن حتی یک فقره کذب به دیگری را برای تحقق این جرم کافی دانسته، عنوان «ظهار اکاذیب» را ترجیح داده‌اند (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۳۷۷). برخی دیگر از نویسندگان در عین حال که معتقدند ماده ۶۹۸ در بر دارنده دو جرم متفاوت است، بر این باورند که بزه موضوع ذیل ماده ۶۹۸ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، «انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران» است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۳۴) اما به نظر نمی‌رسد چنین دیدگاهی صحیح باشد؛ چراکه «شکوائیه» و «عرایض» که در صدر ماده از آن یاد شده نیز در واقع «انتساب اعمالی به دیگران» می‌باشند.

۲- هریک از رفتارهای عامدانه انسان ممکن است یک یا چند انگیزه داشته باشد و اشکالی ندارد که شمول حکمی خاص بر یک رفتار، منوط به وجود بیش از یک انگیزه در مرتکب باشد. بدین ترتیب باید گفت نشر اکاذیب به شرطی یک جرم سیاسی محسوب می‌شود که اولاً «به قصد تشویش اذهان عمومی» باشد و ثانیاً «با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد».

«نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» نزدیکی بسیاری به عنوان «شایعه-پراکنی» دارد. قانون‌گذار ایرانی گرچه تاکنون به دفعات، الفاظ «شایعه» و «شایعه‌پراکنی» را در متن قوانین به‌کار برده، اما تعریفی از آن ارائه نکرده است.

شایعه واژه‌ای عربی است؛ به معنای خبری که منتشر می‌شود ولی درستی یا نادرستی‌اش بررسی نشده است. (نجار و دیگران، ۱۹۸۹: ذیل ماده «ش.ی.ع.») لغتنامه دهخدا نیز این تعریف را برای کاربرد در زبان فارسی پسندیده است. (دهخدا و دیگران، ۱۳۷۷: ذیل واژه «شایعه») شایعه بیش از حقوق‌دانان کیفری و سایر اندیشمندان علوم جنایی، توجه پژوهشگران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی (Social Communication Sciences) و روانشناسی را به خود جلب کرده است. نویسندگان این حوزه‌ها عمدتاً تعاریف تقریباً مشابهی از این واژه دارند؛ به‌عنوان نمونه «نپ» (Knapp) آن را موضوعی می‌داند که به صورت رسمی تأیید نشده و برای باور عموم مردم مطرح می‌گردد. (نپ، ۱۹۴۴، ص ۲۲) «پیترسون» (Peterson) و «گیست» (Gist) نیز شایعه را مطلب تأیید نشده‌ای می‌دانند که مورد توجه و نگرانی عامه مردم است و از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. (پیترسون و گیست، ۱۹۵۱، ص ۱۵۹) «کوئن» (Cohen) آن را گفتمان‌های غیررسمی و نامعتبری می‌داند که در چارچوب نظام ارتباطی در چند مرحله پروراند و دست‌به‌دست شده و در نتیجه اغلب تحریفاتی در آن‌ها صورت گرفته است. (کوئن، ۱۳۷۳، ص ۳۳۰) آلپورت و پستمن نیز عمق و گستره رواج شایعه را تابعی از دو مؤلفه «اهمیت» و «ابهام» دانسته‌اند؛ هرچه متعلق شایعه مهم‌تر و درعین حال مبهم‌تر باشد، انتقال آن نیز بیشتر خواهد بود. (آلپورت و پستمن، ۱۳۷۴، ص ۹)

چنانکه پیداست دو ویژگی شایعه مورد توجه این نویسندگان قرار گرفته است: یکی اینکه شایعه در مورد چیزی در زمان حال است؛ بر خلاف «افسانه» که مربوط به وقایعی در زمان گذشته است و دیگر اینکه شایعه با قصد باور شدن توسط مردم مطرح می‌شود؛ برخلاف قصه و حکایت و امثال آن که هدف از طرح آن‌ها سرگرم شدن مخاطب است اما باید گفت شایعه واجد خصوصیت دیگری نیز می‌باشد که توسط غالب نویسندگان درک نشده است. این ویژگی اتفاقاً ارتباط تام و تمامی با بحث حاضر دارد و

آن اینکه متعلق آن برخلاف نشر اکاذیب، الزاماً کذب نیست. (کاپفر، ۱۳۹۵، صص ۱۵ تا ۱۷)

قوانین کشور ما رویکردی دوگانه به شایعه‌پراکنی دارند؛ گاهی آن را یک «جرم» و مستوجب مجازات کیفری دانسته و گاهی یک «تخلف» و مستوجب مجازات اداری و انضباطی.

شایعه‌پراکنی با عنوان «پخش شایعات» یکی از جرائم مطبوعاتی است که در قانون مطبوعات □ مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ □ به آن اشاره شده است.^۱ بند ۱۱ الحاقی مورخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ به ماده ۶ این قانون در مورد «پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران» سخن می‌گوید و تبصره ۲ همین ماده - که در مورخ ۱۳۷۷/۵/۲۱ به قانون مطبوعات ملحق شده - تخلف از موارد مندرج در آن ماده را مستوجب مجازات مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و در صورت اصرار [(تکرار)]، تشدید مجازات و لغو پروانه دانسته است. اگر جرائم موضوع ماده ۶ قانون مطبوعات را بر دو دسته جرائم خاص مطبوعات و جرائم عام تقسیم کنیم، این جرم در دسته نخستین جای می‌گیرد که می‌تواند علیه نظم عمومی ارتکاب یابد. (محمدی، ۱۳۹۰، صص ۸۵ و ۸۶) با عنایت به ماده ۱ این قانون □ اصلاحی ۱۳۸۸/۹/۸ - که «مطبوعه» را معادل «نشریه» دانسته، می‌توان گفت روش ارتکاب این جرم نیز مانند بزه نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به «کتابت» محدود است. تبصره ۳ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰ که بیان داشته «کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است» نیز روش ارتکاب دیگری برای این بزه تعریف نکرده است. درعین حال باید اذعان داشت که در بزه «پخش شایعات» وسیله ارتکاب محدود به مطبوعه یا نشریه است که می‌تواند فیزیکی یا الکترونیکی باشد. از جهت عنصر روانی نیز باید به عدم تأثیر انگیزه در تحقق این بزه مطبوعاتی اشاره نمود که تفاوت دیگر آن را با «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» رقم می‌زند.

شایعه‌پراکنی □ چنانکه گفته شد - گاهی تنها یک «تخلف» است؛ به‌عنوان مثال

۱- بنا به تعریف، جرائم مطبوعاتی منحصر به جرائمی نیست که در «قانون مطبوعات» آمده است اما در هر صورت لازم است در نشریات ارتکاب یابد. (مرتضوی، ۱۳۸۶، ص ۴۱)

«قانون رسیدگی به تخلفات اداری» □ مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ □ در بند ۳۲ از ماده ۸ «کارشکنی و شایعه‌پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم‌کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی» را در زمره تخلفات اداری کارمندان دولت ذکر کرده یا «قانون شوراهای حل اختلاف» - مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ □ که در بند «ش» ماده ۳۵ به‌عنوان مصادیقی از تخلفات اعضاء و کارکنان شوراهای حل اختلاف از «کارشکنی، شایعه‌پراکنی، وادار ساختن و تحریک دیگران به کارشکنی یا کم‌کاری و یا اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی» یاد نموده است.

برخلاف دو بزه «پخش شایعات» و «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی»، تخلف شایعه‌پراکنی به شکل خاصی از رفتار محدود نشده است؛ بنابراین می‌توان گفت ممکن است هم با کتابت هم از طریق شفاهی صورت پذیرد. در مقام مقایسه تخلف شایعه‌پراکنی با جرائم قبلی باید به انگیزه مرتکب و محل ارتکاب نیز اشاره کرد؛ نشر اکاذیب لازم است به قصد تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی باشد که خود مصداقی از انگیزه «تحصیل مقاصد غیرقانونی» در شایعه‌پراکنی است. از سوی دیگر تحقق شایعه‌پراکنی برخلاف نشر اکاذیب به محیط شغلی خاصی محدود است؛ برخلاف نشر اکاذیب که برای تأثیرگذاری بر «اذهان عمومی» نمی‌تواند به جهت مکانی با محدودیتی مواجه باشد و به تعبیر یکی از نویسندگان چون بدون ضرر به شخص یا اشخاص معین، اذهان عمومی مشوش می‌شود از ماهیت عمومی برخوردار است. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۲)

نظر به آنچه گفته شد شایسته است قانون‌گذار با تفکیک دو جرم موضوع ماده ۶۹۸ تعزیرات، «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» را از همسایگی جرم افترا - به عنوان یک جرم قابل‌گذشت - خارج و در کنار جرائمی همچون جعل، رشا و ارتشا و هياهو و جنجال در اماکن عمومی ذیل عنوان «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی» مطرح نماید.

مبحث دوم. چالش انگیزه مرتکب بزه نشر اکاذیب

در کنار «قصد ارتکاب رفتار مجرمانه» و «علم مرتکب به موضوع»، تحقق بزه نشر اکاذیب از نخستین روزی که در کشور ما وارد سپاهه جرائم شده، به داشتن انگیزه خاصی، مشروط گشته است؛ این انگیزه عبارت است از «اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» که از سال ۱۳۱۳ (در قالب ماده ۲۶۹ مکرر مصوب ۱۳۱۳ الحاقی به قانون مجازات عمومی) بدون کوچک‌ترین تغییری در همه نسخه‌های بعدی قانون نیز تکرار شده است. از آنجاکه بزه نشر اکاذیب، یک بزه مطلق و رفتارمدار است و تحقق آن از سوی قانون‌گذار به حصول هیچ نتیجه خاصی برای رفتار مرتکب منوط نشده، در ارتباط با این جرم، قصد نتیجه، سالبه به انتفاء موضوع است و لذا باید گفت «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» چیزی جز انگیزه مرتکب نمی‌باشد.

۶۱

در تبیین چیستی «انگیزه» می‌توان آن را «نیروی درونی دانست که از تصور یک یا چند هدف متوسط یا دور در شخص ایجادشده، او را به ارتکاب رفتار واهی دارد و رفتارش را برای رسیدن به آن هدف یا اهداف جهت می‌دهد.» (ملک‌افضلی، ۱۳۹۴، ص ۴۶) انگیزه، در واقع نیروی حاصل از تصور هدف است که قانون‌گذار با تسامح آن را در معنای هدف به کار می‌برد. به هر صورت، داشتن یا نداشتن یک هدف، مقوله‌ای ذهنی است که احراز بود یا نبودش به مطالعه دقیق و توانایی‌های خاص روان‌شناختی نیازمند است. به همین جهت به تبع روانشناسان که همواره بر دشواری پی بردن به انگیزه اشخاص تأکید داشته‌اند، (ج. موری، ۱۳۶۳، صص ۴، ۱۸ و ۱۹) بخش بزرگی از دکتترین حقوق کیفری نیز از دیرباز نگران استقبال قانون‌گذاران از انگیزه بزهکار بوده است. (دپورتس و لوگونش، ۲۰۰۹، ص ۴۴۱ / پرادل، ۲۰۰۸، صص ۴۷۰ و ۴۷۱)

در تقابل با رویکرد فوق، صاحب‌نظرانی که با ورود انگیزه به قوانین کیفری موافق هستند بر لزوم تجهیز قضات به دانش روانشناسی تأکید داشته و تصریح می‌کنند که دشواری ارزیابی انگیزه‌ها نباید مانعی برای توجه به آن‌ها باشد (برناردینی، ۲۰۰۳، ص ۴۰۲) اما حتی ایشان نیز دخالت انگیزه را به مرحله «تعیین مجازات» محدود کرده و به «فعل‌مدار» بودن حقوق کیفری در مرحله «تحقق جرم» باور دارند؛ به عبارت دیگر حقوق

کیفری کارا و اثربخش در نظر ایشان نیز حقوقی است که «فاعل‌مداری» و توجه به شخصیت بزه‌کار و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده روان او از جمله انگیزه‌های مجرمانه حتی - الامکان به مرحله تعیین مجازات محدود باشد. (همان، صص ۴۰۳ و ۴۰۴)

واقعیت این است که عدالت کیفری با شعار محقق نمی‌شود؛ نه سرفصل دروس کارشناسی حقوق به روانشناسی توجهی دارد نه دوره‌های کارآموزی قضاوت آنچنانکه باید و شاید. حاصل این شعارزدگی □ همچنانکه دون‌دیو دووابر (Donnedieu de Vabres) به آن تصریح کرده است - چیزی جز فدا شدن جنبه‌های اجتماعی و فایده‌مندی حقوق کیفری نخواهد بود. (محسنی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۵) بدین ترتیب باید به قدر ضرورت اکتفا نمود و بی‌جهت تحقق هر جرمی را به وجود و احراز انگیزه‌ای خاص منوط نکرد.

در مبحث قبل به این نتیجه نائل آمدیم که ماده ۶۹۸ تعزیرات در واقع از اجتماع دو بزه متفاوت شکل گرفته است: «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» و «انتساب کذب به دیگری». گفته شد که بزه «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» در واقع از جنس «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی» است.

بررسی مواد مختلف فصل اول کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی نشان از آن دارد که برای تحقق تعداد قابل توجهی از آن‌ها وجود انگیزه‌ای خاص در مرتکب شرط است؛ انگیزه‌ای پست و غیر شرافتمندانه؛ از قصد بر هم زدن امنیت کشور (در مواد ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۵ و ۵۱۲) و براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن (در ماده ۵۰۴) گرفته تا قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه (در ماده ۴۹۹ مکرر) و بر هم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی (در ماده ۵۱۱)، بررسی دقیق این جرائم ما را به این نتیجه می‌رساند که این میزان از تأکید قانون بر انگیزه خاص مرتکب به عنوان یکی از شرایط تحقق دسته بزرگی از جرائم علیه امنیت، قابل توجیه است. مجازات شدیدی که گاه تا اعدام پیش می‌رود در ازای وجود نیتی بسیار پست و ضداجتماعی.

در مقابل، «انتساب کذب به دیگری» - چنانکه گفته شد □ همانند توهین و افترا تنها یک جرم «علیه شخصیت معنوی اشخاص» است و جا دارد تحقق آن مانند سایر این

دسته از جرائم همچون به انگیزه خاصی مشروط نشود تا با اطلاق و شمول عامی که دارد بتواند بیشترین حمایت را از حرمت و کرامت انسانی و وجهه اجتماعی او به عمل آورد. شاید با لحاظ همین نکته است که قانون کیفری آلمان به جای مشروط کردن تحقق چنین جرمی به وجود «قصد اضرار» بر «علم و اطلاع مرتکب به ماهیت تحقیرکننده آنچه اظهار می‌شود» تأکید نموده است. مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ مجموعه قوانین و مقررات کیفری آلمان مصوب ۱۵ مه ۱۸۷۱ با اصلاحات بعدی (Strafgesetzbuch (StGB)) دربردارنده نزدیک‌ترین احکام قانونی آن کشور به ایران هستند که چنین مقرر داشته‌اند:

«ماده ۱۸۶- هرکس امری را در مورد دیگری اظهار کند یا نشر دهد که می‌تواند او را در افکار عمومی حقیر یا کم‌ارزش (خوار و خفیف) کند مادام که این امر، آشکارا مسلم و قطعی نباشد، به مجازات حبسی که بیشتر از یک سال نخواهد بود یا جریمه مالی^۱ محکوم خواهد شد و در صورتی که جرم مذکور در ملاء عام، در جلسه عمومی یا از طریق انتشار مطالب مکتوب (بند (۳) ماده (۱۱) ارتکاب یابد، مجرم به مجازات حبس تا دو سال یا جریمه مالی محکوم خواهد شد.»

«ماده ۱۸۷- هر کس به‌رغم اطلاع کافی‌اش، مطلب خلاف واقعی را در ارتباط با شخص دیگری اظهار یا منتشر نماید که احتمال دارد او را در افکار عمومی خوار و حقیر سازد یا اعتبار او را به مخاطره اندازد، به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد و در صورتی که جرم مذکور در ملاء عام، در جلسه عمومی یا از طریق انتشار مطالب مکتوب (بند (۳) ماده (۱۱) ارتکاب یابد، مجرم به مجازات حبسی که بیشتر از پنج سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد.»

تأکید بر چیستی متعلق رفتار به جای تمرکز بر قصد و انگیزه بزه‌کار، واجد فایده عقلایی دیگری نیز می‌باشد و آن اینکه ممکن است اظهار کذبی با قصد اضرار به غیر صورت گیرد ولی در عمل نه‌تنها به ضرر وی منجر نشود بلکه منفعت وی را نیز در بر داشته باشد. در مثل است که «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!» در این حالت، برای وجدان و اخلاق بسی دشوار است حکم به سیاست چنین عدوی بآنکه هم قصد

۱- تعیین مقدار جریمه با رعایت ماده ۴۰ این قانون بر عهده قاضی است.

اضرار داشته هم جرأت رفتار.

مبحث سوم. چالش وسیله ارتکاب بزه نشر اکاذیب

دکترین حقوق کیفری از وصف مشترک وسایل ذکرشده در ماده ۶۹۸ (مراسلات یا عرایض یا راپورت‌ها یا نشر یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی) و عدم اشاره به طرقی مانند «نطق در مجامع» - چنانکه در ماده قبل از آن یعنی ماده ۶۹۷ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی و اسلافش در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۲ و قانون مجازات عمومی در خصوص جرم افترا آمده - شرط «مکتوب بودن رفتار مجرمانه» را اصطیاد کرده است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۵۳۶/آقایی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۴۰/گلدوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷ / پاد، ۱۳۸۵، ص ۲۷۴) این نظر را می‌توان به اصل برائت و احتیاط □ که در حقوق عرفی به «تفسیر قانون کیفری به نفع متهم» شهرت یافته - نیز مستظهر نمود. رویه دادگاه‌ها نیز در همین راستا می‌باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به آراء صادره توسط دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تأیید دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۱۱ و دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۶۲۵ اشاره نمود.^۱ علاوه بر آن، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۹۷۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در تأیید این برداشت است: «بزه نشر اکاذیب از جمله جرائم مقید به وسیله بوده که وسیله مزبور از حیث نوع، «مکتوب» و از حیث مصداق، غیر محصور است و تمامی وسایل ذکرشده در ماده ۶۹۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ و از جمله «عرایض» مکتوب هستند و لذا ماده مزبور منصرف از بیان شفاهی است. به هر صورت اقتضای تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز انحصاراً ارتکاب بزه‌های معنونه در قالب کتابت است».^۲

نظریه فوق درعین حال که به حصر «نوع» وسیله ارتکاب نشر اکاذیب «در قالب کتابت» اشاره دارد بر غیر محصور بودن «مصادیق» وسیله نیز تأکید نموده است؛ نظری که برخی از نویسندگان آن را نپذیرفته‌اند (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ص ۴۶۱ / زراعت، ۱۳۸۳، ص

۱- سامانه ملی آراء قضایی به نشانی: <https://ara.jri.ac.ir>

۲- سامانه اداره کل حقوقی قوه قضائیه به نشانی: <https://edarehoquqy.eadl.ir>

از سوی دیگر، مهم‌ترین تفاوت ماده ۷۴۶ قانون جرائم رایانه‌ای نسبت به ماده ۶۹۸ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، پیش‌بینی جزای نقدی به‌جای مجازات شلاق است که می‌تواند برای بسیاری از مرتکبان، تغییری مهم تلقی شود. سؤال این است که این تفاوت در کیفر در ازای تفاوت در کدامین مؤلفه بزه است؟

ماده ۷۴۶ به‌جای «اظهار کردن» از تعبیر «منتشر نمودن» یا «در دسترس دیگران قرار دادن» استفاده کرده که در عمل چندان تفاوتی ندارند؛ بنابراین تفاوت مهم دو ماده فوق در «وسیله ارتکاب» خلاصه می‌شود؛ ماده ۶۹۸ از «نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی» و ماده ۷۴۶ از «سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی» سخن گفته است.^۱ این نوع از قانون‌گذاری نتایج غیرقابل‌توجهی را به بار آورده است؛ به‌عنوان مثال دروغ‌گویی علیه دیگری □ با قصد اضرار به وی - اگر به وسیله نگارش و ارسال نامه باشد، می‌تواند به مجازات شلاق منجر شود اما همین رفتار اگر با نامه الکترونیکی (ایمیل) انجام شود به‌جای شلاق، می‌تواند جزای نقدی را در پی داشته باشد.

اما به‌راستی چه ویژگی خاصی در «کتابت» است که در «نطق» موجود نیست؟ اگر جرم‌انگاری چنین رفتاری برای حمایت از حیثیت و وجهه اجتماعی اشخاص است، چرا باید به وسایل و روش مکتوب، محدود باشد؟ آیا به‌عنوان مثال، اظهارات کذب علیه دیگری در یک نطق رادیویی، از نامه‌نگاری کذب علیه او تأثیر کمتری در تخریب شخصیت و جایگاه اجتماعی وی دارد؟ چگونه است که با اظهارات شفاهی، انتساب جرم به دیگری و تحقق بزه افترا میسر است اما نسبت خلاف واقع و کذب به قصد اضرار به دیگری و تحقق بزه نشر اکاذیب ممکن نیست؟

عرف و عقل سلیم این اسلوب افتراقی را که قانون‌گذار میان افترا و نشر اکاذیب

۱- به تعبیر نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۶۵۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، «تفاوت ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ و ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه مصوب سال ۱۳۸۸ تنها در وسیله ارتکاب جرم است که این موضوع، تغییری در ماهیت و نوع جرم مذکور ایجاد نمی‌نماید.»

برقرار نموده نمی‌پذیرد. در این شرایط باید به مشروح مذاکرات مجالس قانون‌گذاری مراجعه نمود و پاسخ ابهامات را از نطق موافقان و مخالفان یا لاقفل از فحوای کلامشان استخراج نمود اما متأسفانه نه در خصوص ماده ۶۹۸ نه هیچ‌یک از نسخه‌های پیشین آن در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۲ و قانون مجازات عمومی مشروح مذاکرات قانون‌گذار در دسترس نیست:

- «قانون الحاق ماده ۲۶۹ مکرر به قانون مجازات عمومی» مصوب صحن علنی دوره نهم قانون‌گذاری در مجلس شورای ملی است اما در مانحن‌فیه هیچ مناقشه و مباحثه‌ای بین وکلای مجلس صورت نگرفته است.

- قانون سال ۱۳۶۲ برابر اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصولاً در صحن بررسی نشده و به‌جای آن کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس آن را تصویب کرده تا به‌صورت آزمایشی اجرا شود و متأسفانه مذاکرات بررسی آن در کمیسیون نیز ثبت و ضبط نشده است.

- قانون سال ۱۳۷۵ هم به صورتی کاملاً صوری در صحن مجلس مطرح شده و هیچ مذاکره‌ای راجع به مواد آن به عمل نیامده؛ به‌گونه‌ای که پس از قرائت هر ماده توسط منشی جلسه، برای آن رأی‌گیری شده است و گویا قرار بر اعتماد نمایندگان به گزارش بررسی لایحه ذی‌ربط توسط کمیسیون تخصصی بوده است.^۱

بدین ترتیب، عملاً امکان اطلاع پژوهشگران از توجیهاات و حکمت‌های احتمالی و رای قیود مذکور در مواد فوق منتفی است و در این شرایط حکم عقل اقتضا دارد این قید غیر موجه (شرط کتابت) از متن قانون حذف گردد.

از زاویه نگاه حقوق تطبیقی باید گفت مواد پیش‌گفته از مجموعه قوانین و مقررات کیفری آلمان در مورد این چالش نیز می‌تواند برای ما درس‌آموز باشد. قانونگذار آلمانی ارتکاب رفتار مجرمانه را به روش و وسیله خاصی محدود نکرده است: «ماده ۱۸۶- هرکس امری را در مورد دیگری اظهار کند یا نشر دهد که می‌تواند او را در افکار عمومی

۱- سامانه مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی به نشانی:

حقیر یا کم‌ارزش (خوار و خفیف) کند...» و «ماده ۱۸۷- هر کس به‌رغم اطلاع کافی‌اش، مطلب خلاف واقعی را در ارتباط با شخص دیگری اظهار یا منتشر نماید که احتمال دارد او را در افکار عمومی خوار و حقیر سازد یا اعتبار او را به مخاطره اندازد،...» دو رفتار «اظهار کردن» و «نشر دادن» می‌تواند هم به‌صورت مکتوب هم به‌صورت شفاهی انجام گیرد.

رهاورد دیگر حذف قید وسیله، امکان ادغام ماده ۷۴۶ در ماده ۶۹۸ می‌باشد. کمترین اثر این ادغام، کاستن از تورم کیفری و حجم قوانین جزایی است که به‌نوبه خویش از دیرباز (دو متسکیو، ۱۳۱۳، ص ۲۰۰) تا عصر حاضر (شرمن، ۱۳۷۴، ص ۶۶) مورد تأکید دانشمندان حقوق و قانون‌گذاری است.

۶۷ گرچه در شرایط فعلی، عرف، در تحقق افترا و نشر اکاذیب، شفاهی بودن یا مکتوب بودن نسبت کذب را دخیل نمی‌داند و می‌توان با «الغاء خصوصیت» از «وسایل مکتوب»، حکم قانون در خصوص نشر اکاذیب با وسایل مکتوب را به موارد شفاهی نیز تسری داد و چنین الغاء خصوصیتی، به اذعان اصولیون صحیح و معتبر است (نائینی، ۱۳۸۶، صص ۳۳۵ تا ۳۳۷) آنچنانکه گفته آمد اصولی از حقوق و فقه جزایی مانع این تسری هستند؛ فلذا شایسته است قانون‌گذار هنگام بازنگری در مواد مربوط در کتاب تعزیرات به حذف قید وسیله عنایت داشته باشد.

نتیجه گیری

نشر اکاذیب از جمله رفتارهایی است که قانون‌گذار در جهت حمایت از وجهه اجتماعی اشخاص و آرامش اذهان عمومی و مقامات رسمی آن را جرم‌انگاری نموده است. این جرم از سال ۱۳۱۳ تاکنون در سه نسخه که تا حد قابل توجهی به هم شبیه هستند، در قوانین مجازات عمومی و قوانین مجازات اسلامی سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۵ جانمایی شده است و در کنار افترا موضوع بخش قابل توجهی از دعاوی کیفری در دادگستری را به خود اختصاص داده است. باین وجود، ابهاماتی در مستند قانونی این بزه □ که در قانون فعلی مواد ۶۹۸ و ۷۴۶ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی هستند - وجود دارد که می‌تواند وصول به مقصود را برای دستگاه عدالت کیفری دشوار نماید. بررسی سه چالش مهم بزه نشر اکاذیب، به عنوان رسالت پژوهش حاضر تعریف شد و در نهایت نتایج زیر حاصل گردید:

۱. در باب ماهیت دوگانه بزه نشر اکاذیب، این تحقیق ما را به این نتیجه رهنمون شد که صورت فعلی ماده ۶۹۸ تعزیرات ترکیب غیرموجه دو جرم متفاوت است: «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی»؛ جرمی علیه مصالح عمومی کشور و «انتساب کذب به دیگری»؛ جرمی علیه شخصیت معنوی اشخاص و شایسته است قانون‌گذار برای دور ماندن از صدور احکام غیر عادلانه، بزه «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» را از همسایگی جرم افترا خارج و در زمره «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی» مطرح نماید.

۲. در خصوص چالش انگیزه (ذکر شرط «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی») به این نتیجه رسیدیم که در بزه «انتساب کذب به دیگری» تأکید بر چیستی متعلق رفتار به جای تمرکز بر قصد و انگیزه بزه‌کار، به دلیل ماهیت انتزاعی انگیزه و عدم تجهیز قضات کیفری به دانش و مهارت تشخیص آن، امکان اجرای عدالت را بیشتر فراهم می‌کند.

۳. در مورد چالش وسیله ارتکاب، پژوهش حاضر به توجیه عقلایی خاصی برای حصر تحقق بزه نشر اکاذیب به «وسایل مکتوب» نائل نشد. از طرفی حمایت بهینه کیفری

از وجهه اجتماعی اشخاص اقتضا دارد همانند افترا، رفتارهای مجرمانه در بزه نشر اکاذیب («اظهار نمودن» و «نسبت دادن») محدود به وسیله خاصی نباشد؛ بدین ترتیب می‌توان به ادغام مواد ۷۴۶ و ۶۹۸ نیز اندیشید و از تورم کیفری کاست.

در نهایت با عنایت به مباحث صورت گرفته دو ماده زیر برای اصلاح کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می‌گردد:

الف) ماده پیشنهادی برای الحاق به فصل اول کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی: «هرکس به هر نحو امری را که آشکارا غیرواقعی است و می‌تواند موجبات تشویش اذهان عمومی را فراهم آورد، اظهار کند یا نشر دهد یا سبب انتشار آن گردد، به مجازات تعزیری درجه پنجم محکوم می‌گردد. در صورت وجود همه شرایط قانونی، مرتکب به مجازات افساد فی الارض محکوم می‌شود.»

۶۹

ب) ماده پیشنهادی برای جایگزینی مواد ۶۹۸ و ۷۴۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی:

«هرکس به هر نحو امری را که آشکارا غیرواقعی است و می‌تواند دیگری را در افکار عمومی خوار و خفیف کند، اظهار کند یا نشر دهد یا سبب انتشار آن گردد، به مجازات تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.»

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی و عربی

۱. آقای نیما، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی - جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)؛ تهران: میزان، ۱۳۹۹ ش.
۲. آل پورت، گوردن ویلارد و پستمن، لئو؛ روان‌شناسی شایعه؛ چاپ دوم، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴ ش.
۳. یاد، ابراهیم؛ حقوق کیفری اختصاصی؛ تهران: دانشور، ۱۳۸۵ ش.
۴. دو منتسکیو، شارل - لویی؛ روح القوانين؛ ترجمه اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، حسن احمدی‌گیوی، سید جعفر شهیدی و محمد معین، لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران و نشر روزنه، ۱۳۷۷ ش.
۶. روزنامه رسمی کشور (شماره‌های ۱۶۱۶ مورخ ۱۳۱۳/۳/۱۶، ۲۱۹۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۶، ۱۸۷۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۷، ۱۱۲۷۸ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۳، ۱۴۹۴۳ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴ و ۱۰۱۷ مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱)
۷. زراعت، عباس؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۳ ش.
۸. زراعت، عباس؛ حقوق جزای اختصاصی (۱) (جرائم علیه اشخاص)؛ چاپ دوم، تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۲ ش.
۹. ج. موری، ادوارد؛ انگیزش و هیجان؛ ترجمه محمد نقی براهنی، تهران: انتشارات شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزای اختصاصی (۱) (جرائم علیه اشخاص)؛ چاپ دوم، تهران: مجد، ۱۳۹۳ ش.

۱۱. شرمین، لارونس؛ «جرم‌شناسی و جرم‌انگاری چالش و علم ضمانت اجرای کیفری»؛ ترجمه: روح‌الله کرد علیوند، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۷۹ ش.
۱۲. کاپفرر، ژان‌نوئل؛ شایعه؛ ترجمه خداداد موقر، چاپ اول، تهران: شیرازه کتاب، ما، ۱۳۹۵ ش.
۱۳. کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی؛ چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. محسنی، مرتضی؛ دوره حقوق جزای عمومی؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. محمدی، قاسم؛ جرم مطبوعاتی؛ چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. مرتضوی، سعید؛ جرائم مطبوعاتی؛ چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. ملک‌افضلی، مجتبی؛ «انگیزه در علوم جنایی، فقه امامیه و حقوق کیفری ایران و فرانسه»؛ رساله دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴ ش.
۱۹. میرمحمد صادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص؛ چاپ سیزدهم، تهران: میزان، ۱۳۹۲ ش.
۲۰. میرمحمد صادقی، حسین؛ جرایم علیه مصالح عمومی کشور؛ چاپ چهل و چهارم، تهران: میزان، ۱۴۰۱ ش.
۲۱. نائینی، محمدحسین؛ فوائد الاصول؛ ج ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. نجار، محمدعلی، ابراهیم مصطفی، احمد حسن زیات و حامد عبدالقادر؛ المعجم الوسیط؛ استانبول: دار الدعوه، ۱۹۸۹ م.

ب) منابع لاتین

23. Bernardini, Roger, **Droit pénal général. Introduction au droit criminel, Théorie générale de la responsabilité pénale**, Paris: Gualino Editeur, 2003.
24. Desportes, Frédéric et Le Gunehec, Fransic, **Droit pénal général**, Paris: Economica, 2009.
25. Knapp, Robert Hampden, **A Psychology of Rumor, Public Opinion Quarterly**, 8 (1): 22-37, 1944.
26. Peterson, Warren Alfred and Gist, Noel Pitts, **Rumor and Public Opinion**, American Journal of Sociology, 57: 159-167, 1951.
27. Pradel, Jean, **Droit pénal comparé**, Paris: Dalloz, 2008.

ج) پایگاه‌های اینترنتی:

۲۸. سامانه ملی آراء قضایی، بی‌تا، به نشانی: <<http://ara.jri.ac.ir>> دسترسی در فروردین ۱۴۰۲
۲۹. سامانه اداره کل حقوقی قوه قضاییه، بی‌تا، به نشانی: <[http:// edarehoquqy.eadl.ir](http://edarehoquqy.eadl.ir)> دسترسی در فروردین ۱۴۰۲
۳۰. سامانه قوانین جمهوری آلمان، بی‌تا، به نشانی: <[http:// gesetze-im-internet.de](http://gesetze-im-internet.de)> دسترسی در فروردین ۱۴۰۲
۳۱. سامانه مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، بی‌تا، به نشانی: <<http:// ical.ir/fa/mashroohmozakerat>> دسترسی در فروردین ۱۴۰۲